

احیا و تصحیح متون فارسی در شبه قاره پاکستان و هند

مصاحبه با دکتر عارف نوشاهی*

رحیمی ریسه: در خدمت آقای دکتر نوشاهی هستیم که از فهرست‌نویسان و نسخه‌شناسان بنام شبه قاره و به خصوص پاکستان هستند. به مناسبت تشریف‌فرمایی ایشان به ایران، قصد داریم در این سفر مزاحمتی برای ایشان به وجود آوریم و خواهش کنیم درباره احیا و تصحیح متون در شبه قاره توضیحاتی ارائه بفرمایند.

دکتر نوشاهی: خیلی ممنون از جناب آقای ایرانی که این مجلس را ترتیب دادند و از دوستانی که زحمت کشیدند و تشریف آوردند. مسأله تصحیح متون یا احیای متون در شبه قاره، بر می‌گردد به سده یازدهم هجری وقتی عبداللطیف عباسی گجراتی مثنوی مولوی و حدیقه سنایی را بر اساس نسخه‌های متعدد تصحیح کرد و اصول تصحیح و مقابله را مطرح کرد. بعد هم تأسیس چاپخانه در شبه قاره شد در نیمه دوم سده هجدهم میلادی، که انگلیسیها آنجا حکومت داشتند و چاپخانه را به شبه قاره آوردند و شروع به چاپ کتابهای فارسی کردند. اولین کتاب

*. این مصاحبه در مرداد ۱۳۸۲ در مرکز نشر میراث مکتوب با حضور آقایان حسن انوشه، اکبر ایرانی، احمدرضا رحیمی ریسه و جمشید کیانفر انجام گرفت.

فارسی که آنجا چاپ شد، انشای هرکرن است تألیف هرکرن داس. در سال ۱۷۸۱ میلادی موقعی این کتاب در شبه قاره چاپ شد که در ایران هنوز چاپخانه دایر نشده بود. البته قبل از چاپ انشای هرکرن فرهنگهای انگلیسی - فارسی، یا فارسی - انگلیسی در شبه قاره چاپ شده بود، اما اولین متن فارسی همین انشای هرکرن بود. تأسیس چاپخانه در شبه قاره فتح‌بابی شد برای احیای زبان فارسی، که قبل از آن سنت نسخه‌نویسی یا کتابت نسخه‌های خطی را در شبه قاره داشتیم و الان بزرگترین ذخیرهٔ مخطوطات اسلامی به زبان عربی و فارسی و زبان‌های محلی، در شبه قاره محفوظ است. بعد از آمدن صنعت چاپ به شبه قاره، اولین چاپخانه‌ها به دست انگلیسیها تأسیس شد که زیر نظر دولت کار می‌کردند. بعداً چاپخانه‌های خصوصی و شخصی هم در تمام شهرهای کوچک و بزرگ شبه قاره تأسیس شدند و شروع به کار کردند. مهمترین آنها چاپخانهٔ «منشی نولکشور» بود که شاخه‌های مختلفی در شبه قاره، به خصوص در «لکهنو» و «کانپور» داشت.

چاپخانه‌های دیگر هم بود، مثل چاپخانهٔ نظامی، مصطفایی و... اما چاپخانهٔ منشی نولکشور بیشترین خدمت را در احیای متون فارسی کرده است. در هر رشته و هر موضوع، هیچ تخصیصی نداشت و هیچ تعصبی هم. بیشترین کتابهای علوم اسلامی را منشی نولکشور (۱۸۹۴ م / ۱۳۱۲ ه. ق) که خودش هندو بود چاپ کرده است. و باید گفت اگر منشی نولکشور این کتاب‌های علوم اسلامی (فارسی - عربی) را چاپ نمی‌کرد، آشنایی نسل قرن ۱۳ و ۱۴ با اسلام شاید این طور نبود. چون نسخه‌های خطی در دسترس هر کسی نبود، این کتابهای چاپی، انقلابی در شبه قاره برای ابلاغ و تبلیغ اسلام به پا کردند. البته چاپ کتابهای فارسی در این چاپخانه‌ها معمولاً بدون تصحیح بود. نسخه‌ای را می‌گرفتند، به کاتب می‌سپردند، او کتابت می‌کرد و بعد هم چاپ سنگی می‌شد. فرقی با نسخهٔ خطی فقط در شکل چاپی‌اش بود و از لحاظ صحت متن، چندان اعتبار نداشت. در ۱۵ ژانویهٔ ۱۷۸۴ م در کلکته «انجمن آسیایی بنگال» تأسیس شد که این انجمن،

تصحیح متون را به مفهوم واقعی شروع کرد. فرضاً چند نسخه را به دست مصحح می‌سپردند تا مقابله کند و مقدمه‌ای بنویسد و نقد و بررسی هم بکند و متن را با حواشی و تعلیقات ارائه دهد. این انجمن مهمترین متون تاریخی و تذکره‌ها و بعضی رشته‌های علوم هندی و اسلامی را چاپ کرده است.

ایرانی: این انجمن وابسته به کجا بود؟

دکتر نوشاهی: خود دولت انگلیس، که در آن موقع در هند حاکم بود، این انجمن را اداره می‌کرد. نایب السلطنه هند سرپرست بود و سر ویلیام جونس بنیانگذار و رئیس بود.

ایرانی: یعنی قبل از آن سابقه نداشت؟

دکتر نوشاهی: خیر.

کیان‌فر: شما فرمودید که نخستین چاپ یا احیای متون در شبه قاره به این صورت بود، که کاتبی نسخه‌ای را انتخاب می‌کرد و به منظور چاپ سنگی آن را کتابت می‌کرد، خوب آن موقع چاپ سنگی بود، ولی حالا به اصطلاح حروف چینی می‌کنند. معیار انتخاب نسخه چه چیز بود؟ آیا تاریخ کتابت نسخه را در نظر می‌گرفتند یا این که صرفاً اشتهار یک نسخه کافی بود؟

دکتر نوشاهی: من که حدود ۲۵ سال است مشغول فهرست نگاری کتابهای چاپ شبه قاره هستم، در خاتمه بعضی کتابهای چاپی دیده‌ام که ناشر یا کسی که آن کتاب را چاپ کرده، نوشته است که او این کتاب را از فلان کتابخانه از روی فلان نسخه چاپ کرده است؛ یعنی به آن نسخه توجه داشت. اما در همه موارد این طور نبود و تنها موارد استثنایی بود که به نسخه توجه داشتند و آن را ذکر می‌کردند و بیشتر متون بدون توجه به قدمت نسخ خطی و بدون توجه به اهمیت موضوع انتخاب می‌شد. در چاپخانه‌های هند در هر رشته‌ای، از ریزترین موضوعات گرفته تا بزرگترین متون مهم، کتابهایی چاپ شده، اما کمتر به نسخه خطی اش اشاره می‌کردند.

کیان‌فر: موضوع دیگر، تیراژ این کتابهاست. با توجه به این که چاپ سنگی تیراژش

محدود، و بهترین و مفیدترین چاپ تا تیراژ ۵۰۰ یا حداکثر ۷۰۰ نسخه بود و معمولاً هم نسخ با تیراژ ۶۰۰ به بالا کیفیت چایی خوبی نداشتند، آیا برای چاپ با تیراژ بالا از دو یا سه سنگ استفاده می‌شد یا اینکه فقط از یک سنگ برای چاپ استفاده می‌کردند؟

دکتر نوشاهی: معمولاً روی کتاب نوبت چاپ را می‌نوشتند: چاپ اول، چاپ دوم، چاپ سوم، و... تیراژ هم بالا بود، به جهت این که آن موقع هندوستان یک مرکز تجاری کتاب بود و ناشران افغانستان، ماوراءالنهر و ایران، کتابها را به هند می‌بردند و آنجا به چاپ می‌کردند. شاید در این کشورها امکانات چاپ کتاب مثل هند پیشرفته نبود، کتابها را می‌بردند آنجا و چاپ می‌رسانیدند. پس هند، نه تنها خود شبه قاره را بلکه کشورهای هم‌جوار را هم تغذیه می‌کرد. به همین خاطر تیراژ هم بالا بود. حتی یادم هست در آن کتابشناسی که تهیه کردم، یک کتاب هفتاد و دومین بار بود که چاپ شد. بگذریم از کتابهایی مثل مثنوی مولوی، دیوان حافظ، گلستان، بوستان، و دیگر کتابهای درسی، که بیش از ۱۰۰ یا ۲۰۰ بار با تیراژ بالا چاپ می‌شدند و باز هم کم می‌آوردند.

کیان‌فر: وقتی انجمن آسیایی بنگال شروع به کار کرد، نخستین نسخی را که احیا کرد، بیشتر معطوف به چه موضوعی بود؟

دکتر نوشاهی: اینها به تاریخ هند توجه داشتند و متون تاریخی را بیشتر چاپ می‌کردند، مثل اکبرنامه، عمل صالح، مآثر الامراء و طبقات اکبری و بعضی تذکره‌ها، و چاپشان چاپ حروفی و مرغوب بود. تنها عیبی که داشت، کاغذ آن بود که الان دیگر قابل استفاده نیست و با دست زدن خُرد می‌شود، مگر اینکه آن چاپها افست شود و مورد استفاده قرار گیرد.

کیان‌فر: از نسخی که در آن ایام به چاپ رسید، شاهنامه‌ای بود که مکان ترنر (Macan Turner) تصحیح کرده بود و هیچ وقت هم به اتمام نرسید. آیا این اثر هم از سوی انجمن منتشر شد و هم چنین مجلّات دیگری از بخشی که تصحیح و چاپ شده هنوز در شبه قاره موجود است یا خبر؟

دکتر نوشاهی: این نسخه در ۱۸۲۹ م به تصحیح ترنر با همکاری حافظ احمدکبیر در کلکته به چاپ رسیده و چاپ آن در مطبع بیتست مشن بوده است.
کیان فر: آیا خود شخص و به صورت انفرادی این نسخه را چاپ کرده است؟
دکتر نوشاهی: نام انجمن روی جلد نیست، فقط نام مطبع است.

انوشه: در ایران، در بین دوستداران و علاقه‌مندان زبان فارسی، شایع است که عامل از رسمیت افتادن زبان فارسی در سراسر شبه قاره انگلیسیها بودند. از طرفی می‌بینیم که اولین ترجمه‌های آثار فارسی به انگلیسی در شبه قاره انجام گرفته، اولین چاپخانه‌ها را انگلیسی‌ها در شبه قاره تأسیس کردند و اتفاقاً اولین آثاری هم که در چاپخانه‌ها چاپ شده، آثار فارسی بوده است و بسیاری از کسانی که از انگلیس به هند می‌رفتند، در آنجا زبان فارسی را آموختند. بوستان و گلستان و بسیاری از کتابهای مهم زبان فارسی نخستین بار در شبه قاره به زبان انگلیسی ترجمه شده است. ولی از طرفی هم می‌دانیم که یکی از نایب السلطنه‌های انگلیس، که در دربار هند بود، اعلام کرد زبان انگلیسی در مکاتبات دولتی، جایگزین زبان فارسی شود. به نظر شما این که انگلیسیها باعث از رواج افتادن زبان فارسی در شبه قاره شدند، چقدر می‌تواند صحت داشته باشد؟

دکتر نوشاهی: اگر درست یادم باشد، انگلیسیها در سال ۱۸۳۵ م. زبان فارسی را در اداره‌های دولتی شبه قاره از رسمیت انداختند. اما قبل از آن، اگر همین بخش حقوق را ببینید، حتی کوچکترین دستورالعملها را به زبان فارسی ترجمه می‌کردند و پخش می‌کردند. برای هر شعبه‌ای و هر بخشی یک دستورالعمل داشتند که همه به فارسی ترجمه شده بود. خوب، اگر اینها می‌خواستند فارسی را ضعیف بکنند، چرا این کار را کردند. آن یک سیاست دیگر بود.

انوشه: سیاست بود یا مسئله ورود هند به دنیای تازه، که برای آن به زبان تازه و نو احتیاج داشتند؟

دکتر نوشاهی: خوب، آن زبان نو چه بود، اردو یا انگلیسی؟
رحیمی ریسه: انگلیسی.

دکتر نوشاهی: انگلیسی؟ بله این هم نکته‌ای است و ما از آن روز به زبان انگلیسی وابسته شدیم. زبان علمی ما، زبان اداری ما، زبان رسمی ما انگلیسی است. اما این را هم باید بسنجیم که ما نسبت به کشور دیگری، که زبانش رسماً انگلیسی نبوده چقدر پیشرفت کردیم؟

انوشه: آیا این یک سیاست استعماری بوده است؟

دکتر نوشاهی: به نظرم، بله.

ایرانی: برمی‌گردیم به همان موضوع تصحیح متون. آیا شما در حال حاضر مراکزی غیر از این مرکز که نام بردید، دارید؟

دکتر نوشاهی: بله. بعد از رفتن انگلیسیها از هند، انجمن آسیای بنگال دیگر به آن صورت فعالیتی نداشت. هند و پاکستان آزاد شدند و درکشور پاکستان بعد از استقلال در سال ۱۹۴۷ م. سازمانها و اداره‌هایی به وجود آمدند که به تصحیح متون توجه داشتند. از جمله در سند، «سندی ادبی بورد» انجمن ادبی سندی بود که دو دفتر در حیدرآباد و کراچی داشت و بیشترین متون فارسی را با بهترین تصحیح چاپ کرد. منتها توجه به تاریخ سند داشت، تذکره‌های مربوط به شعرای سند، متون ادبی از شعرا و مؤلفان سندی. این انجمن، زیر نظر علمی سیدحسام‌الدین راشدی، ایران‌شناس معاصر پاکستان بود. در لاهور که مرکز فرهنگی ماست، دانشگاه پنجاب به احیای تصحیح متون توجه داشت. مولوی محمد شفیع باز یکی از بزرگان ادب و ایران‌شناس ماست. ایشان بعضی از متون جدی را با بهترین روش که امروز هم سرمشق ماست، چاپ کرده‌اند. در لاهور، یک انجمن ادبی به نام «پنجابی ادبی آکادمی» مثل همان سندی ادبی بورد، آثار و متون فارسی مؤلفان پنجاب را چاپ می‌کرد. اداره‌ای به اسم «مجلس ترقی ادب» که الآن هم هست، متون مشترک اردو و فارسی را چاپ می‌کرد. بالآخره در ۱۹۷۰ م. با توافق دولت ایران و پاکستان، مرکزی به نام «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» در اسلام‌آباد به وجود آمد که از سی سال گذشته تا امروز، بیشترین توجه به تصحیح و چاپ متون فارسی داشته است.

کیان‌فر: در ضمن فرمایشهایتان اشاره به ترجمه کردید و فرمودید که انگلیسیها دستورات عملیاتی را که در شبه قاره صادر می‌نمودند، به فارسی ترجمه می‌کردند. در اروپا هم برخی از آثار و متون قدیمی تصحیح می‌شد و به زبان فارسی و یا ترجمه انگلیسی یا فرانسه چاپ می‌شد. این اقدام در شبه قاره به چه میزان بوده و چه تعداد از متون قدیمی در شبه قاره به وسیله انگلیسیها یا بر اثر پی‌گیری و پشت‌کار آنها به انگلیسی ترجمه شده و به کدامیک از متون مثلاً فقهی، تاریخی یا جغرافیایی توجه داشتند؟

دکتر نوشاهی: بیشتر به متون تاریخی و بعد از آن به متون ادبی، و کمتر به متون فقهی توجه داشتند. اگر بخش تاریخ را در کتاب استوری ببینید، آنجا در تمام موارد ذکر شده که این اثر توسط فلان شخص که در آن موقع در هند بوده، به انگلیسی ترجمه شده است. یا برخی از آثار ادبی مثل گلستان در آنجا ترجمه شده. غیر از گلستان کتابهای دیگری هم در هند ترجمه و همانجا چاپ شده است. هم نخستین ترجمه‌ها و هم نخستین چاپها، بیشتر در هند صورت گرفته است.

کیان‌فر: در دوره‌ای از تاریخ، ما به ترجمه آثار اروپایی روی آوردیم، چه در مباحث تاریخی و چه در مباحث جغرافیایی و... امروزه برخی از دست‌نوشته‌های این ترجمه‌ها در کتابخانه‌های مختلف ایران موجود است. حتی در برخی از فهرستها مثل فهرستواره کتابهای فارسی آقای منزوی هم یکی دو تا از اینها رانیده‌ام. چه مقدار به این ترجمه‌ها در شبه قاره توجه شده است و از متنهایی که توسط دولت قاجار ترجمه و نسخه‌برداری می‌شد، چه قدر استقبال می‌کردند؟ و اصلاً آیا این ترجمه‌ها در آنجا یافت می‌شود، یا مشابه این کار در آنجا هم انجام می‌شد؟

دکتر نوشاهی: ترجمه‌هایی که در فهرستواره ذکر شده، از متون اردو یا انگلیسی بوده‌اند، ولی گاهی به زبان فارسی هم ترجمه می‌شد. مثلاً گزارشهایی را از فلان روزنامه انگلیسی یا کتاب انگلیسی که در هند تألیف شده بود، برای دولت اینجا ترجمه می‌کردند. اما بیشتر، متون تاریخی و ادبی بودند، نه گزارشها یا به اصطلاح راپورتها. من به دست‌نوشته‌هایی از ترجمه آنها برخورد نکرده‌ام.

رحیمی ریشه: درباره شیوه‌های تصحیح متون، آیا تصحیحات مشهور مثل تصحیح قیاسی و انتقادی، آنجا هم اعتباری دارد؟ یا همه به یک شیوه تصحیح می‌کردند؟ دکتر نوشاهی: چون انجمن آسیایی بنگال، زیر نظر انگلیسیها بود، همان شیوه مستشرقین و محققان انگلیس را اجرا می‌کردند. و در شبه قاره مدّتی همان شیوه تصحیح انگلیسیها سنت شد. البته در مورد تک نسخه‌هایی که آنجا بوده، شیوه تصحیح قیاسی اعمال شده و انتخاب نسخه‌های قدیم از میان چندین نسخه با مقابله و اساس قراردادن نسخه اقدم، به شیوه معمول، هم آنجا اعمال می‌شده است.

ایرانی: در زمینه تصحیح، از بزرگان چه کسانی بودند؟

دکتر نوشاهی: مولوی محمد شفیع، سید حسام‌الدین راشدی در پاکستان که مرحوم شده‌اند و در هند هم پروفیسور نذیر احمد و سید امیر حسن عابدی هستند، و نیز از مرحومین مولوی هدایت حسین را می‌توان نام برد که با انجمن آسیایی همکاری می‌کرد و کتابهای زیادی زیر نظر ایشان یا به تصحیح ایشان چاپ شده است. قاضی عبدالودود در پتنه و قبل از ایشان افراد دیگر که بیشتر در انجمن آسیایی کار می‌کردند. ولی الآن در هند، آن انجمن به صورت قبل کار نمی‌کند. مراکز خیلی وسیع شده و اداره‌های دیگری در آنجا تأسیس شده‌اند که در زمینه تصحیح یا نشر متون کار می‌کنند. «کتابخانه خدابخش» در پتنه، بزرگترین مرکز نشر کتاب فارسی - البته بدون تصحیح انتقادی - و چاپ فاکسیمیله در هند است. دانشگاه اسلامی علی‌گره و کتابخانه رضا رام پور نیز متون فارسی چاپ می‌کنند.

ایرانی: آیا این دانشگاهها بخش انتشارات دارند؟

دکتر نوشاهی: بله، بخش انتشارات دارند و گروههای هر رشته هم بودجه‌ای دارند و در رشته خود مستقلاً کتاب چاپ می‌کنند. مثلاً بخش تاریخ، متون تاریخی را چاپ می‌کنند و بخش فلسفه، کتابهای فلسفه را.

ایرانی: چه میزان از پایان‌نامه‌های دانشجویان به موضوع تصحیح متون اختصاص

دارد؟

دکتر نوشاهی: بیشتر پایان‌نامه‌ها در آنجا در تصحیح متون است، ولی متأسفانه بسیاری از آن پایان‌نامه‌ها که من دیده‌ام، چه در هند و چه در پاکستان، در آن از اصول تصحیح انحراف شده است، دانشجویان، وقتی به دانشگاه وارد می‌شوند، هیچ آشنایی و انسی با نسخه یا تصحیح ندارند و از این نظر ضعیف هستند.

رحیمی ریسه: امروزه مشاهده می‌شود که در شبه قاره به چاپ‌های متون کهن به صورت فاکسیمیله بیشتر گرایش دارند تا به صورت تصحیح شده. علت این امر چیست؟ و به نظر می‌آید هر چه بیشتر می‌رویم، این گرایش بیشتر می‌شود تا جایی باید که فقط متون چاپی فاکسیمیله را در شبه قاره ببینیم. آیا علت آن ضعیف شدن زبان فارسی در شبه قاره نیست؟

دکتر نوشاهی: آن متنهایی را که به صورت فاکسیمیله چاپ می‌کنند، به دلیل ارزش نسخه خطی آنهاست.

رحیمی ریسه: یعنی همیشه در چاپ فاکسیمیله ارزش نسخه رعایت می‌شود؟
دکتر نوشاهی: فکر می‌کنم بیشتر اینطور باشد، چون نسخه مهم بوده و به صورت فاکسیمیله چاپ شده. بعضی موقع خط نسخه خوب است و حتی ممکن است خیلی متأخر باشد، اما چون خطش خوب بوده فاکسیمیله چاپ کرده‌اند. بعضی موقع کاتبش مهم بوده یا صاحبش اهمیت داشته است. مثلاً کشف المحجوب که در لاهور فاکسیمیله چاپ شده، روی جلد آن نوشته‌اند «به خط مؤلف»!! در صورتی که به خط مؤلف نیست و به او منسوب شده است. باز کشف المحجوب بار دیگر در لاهور چاپ شده، روی جلدش نوشته‌اند «بر اساس نسخه خطی به قلم بهاء‌الدین ذکریا مولتانی» که یکی از شیوخ سلسله سهروردیه در سده هفتم بوده، در صورتی که از خط نسخه معلوم است که در سده یازدهم هجری کتابت گردیده. بعضی مواقع این منسوبات هم باعث فاکسیمیله شدن نسخه می‌شود. اما بیشتر به لحاظ ارزش خط یا قدمت خط بوده است، ولی تصحیح متون هم الآن آنجا کاملاً از رواج نیفتاده. شاید خبرش به اینجا نمی‌رسد. آنجا اداره‌ها و

سازمانهایی هستند که مرتب متون فارسی چاپ می‌کنند. همین مرکز تحقیقات فارسی، هر سال، علاوه بر کتابهای انتقادی یا تألیفی، حداقل دو سه تا متن فارسی چاپ می‌کند. سازمانهای دیگر هم همین طور است. ایرانی: کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌های دانشجویی، یا به طور کلی متونی که چاپ شده، در دسترس هست؟

دکتر نوشاهی: بله کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌ها تهیه و چاپ هم شده، چه در هند و چه در پاکستان. کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌های دکترا و فوق لیسانس تمام دانشگاههای هند و پاکستان در مجلات مختلف چاپ شده است. اخیراً هم دو تن از استادان دانشگاه پنجاب لاهور دکتر نجم الرشید و دکتر محمد صابر خان کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌های دکترا و دانشوری و فوق لیسانس فارسی دانشگاه پنجاب را تهیه کرده‌اند که بزودی در تهران چاپ خواهد شد.

کیان فر: در همه‌جای دنیا، برخی از نسخ به صورت فاکسیمیله چاپ می‌شود. سؤال من این است که چه مقدار از این نسخ فاکسیمیله شده، دوباره مورد توجه تصحیح قرار می‌گیرند و آیا خود اینها می‌توانند به عنوان منبع اصلی یا نسخه اقدم مورد استفاده قرار گیرند؟ یا اینکه فقط به عنوان نسخه بدل استفاده می‌شوند؟

دکتر نوشاهی: کتاب اسئوله و اجوبه از رشیدالدین فضل‌الله که مرکز تحقیقات فارسی در اسلام‌آباد فاکسیمیله چاپ کرده، به لحاظ قدمت خط و شیوه کتابت و رنگهایی که در آن متن هست، یعنی به هفت رنگ کتابت شده، و کاتب در نظر داشته مثلاً فلان عنوانها را قرمز بنویسد، احادیث را آبی بنویسد، آیات را سبز بنویسد، متن فارسی را به رنگ دیگری بنویسد. منتهی در آنجا در حین چاپ فقط از دو رنگ استفاده کرده‌اند، قرمز و مشکی. بقیه رنگها در چاپ نیفتاده و در مقدمه توضیح داده شده است. همین اسئوله و اجوبه به طور همزمان به صورت حروفی هم چاپ شده است.

ایرانی: همان نسخه فاکسیمیله را چاپ حروفی کرده‌اند؟
دکتر نوشاهی: بله، همان نسخه را حروف چینی کرده‌اند.

ایرانی: یعنی ارزش هنری داشته که اینطوری چاپ کرده‌اند؟
دکتر نوشاهی: ارزش خط داشته و ممکن است ارزش هنری هم داشته، و احتمال دارد که در خود ربع رشیدی کتابت شده باشد و این نسخه از اینجا رفته. از لحاظ خط خیلی ارزش دارد. یک کتاب دیگری که مرکز، فاکسیمیله چاپ کرده، فرهنگی است به نام تکملة الاصناف در سده هفتم در ماوراءالنهر تألیف شده که از لحاظ قدمت خیلی ارزش دارد و متأسفانه توجّهی که می‌بایست به آن می‌شد در ایران نشده است.

انوشه: تعداد زیادی از دستنویس‌های فارسی در خانه افراد نگهداری می‌شود. آیا از طرف دولتهای هند و پاکستان، و نیز از طرف دولت ایران کوشش می‌شود برای اینکه نسخه‌ها را از افراد خریداری کنند و تا در یک جا جمع‌آوری و نگهداری شوند و از بین نروند؟

دکتر نوشاهی: خود دولت هند و پاکستان سازمانهای رسمی دارند برای حفظ نسخه‌های خطی. در پاکستان مرکز تحقیقات فارسی برای همین منظور تأسیس شده که نسخه‌های خطی منطقه، یعنی پاکستان را اینجا بیاورند و نگهداری کنند. تأسیس مرکز باعث شد که نسخه‌های شخصی یا کتابخانه‌های شخصی به این مرکز منتقل شوند. البته مرکز یا خود دولت نمی‌تواند تقاضایی از این افراد بکند که شما نسخه‌های خود را بیاورید. در پاکستان خانواده‌ها حاضر نیستند نسخه‌های خطی را که میراث نیاکانشان است یعنی هویت آن خانواده است، از دست بدهند. یک مثال شخصی از خانواده خودم نوشاهی است که حدود ۵۰۰ نسخه خطی دارد و من به وارثان می‌گویم این نسخه‌ها را منتقل کنید به دانشگاه یا آرشیو ملی یا به کتابخانه ملی، چرا که اینها تا ۱۰ یا ۲۰ سال دیگر از بین می‌روند، اما آنها حاضر نمی‌شوند، می‌گویند اینها نشانه‌ای از نیاکان ماست، هویت ماست، اگر ما اینها را از دست بدهیم، دیگر هیچ هویتی نداریم!! بقیه افراد هم اینطوری فکر می‌کنند. امکان ندارد که همه نسخه‌های شخصی را بتوانیم به کتابخانه‌های دولتی منتقل بکنیم.

انوشه: من شنیدم که دولتهای شبه قاره سعی می‌کنند کتابهای با ارزش فارسی را به یکی از زبانهای اردو یا انگلیسی یا هندی ترجمه بکنند و بعد نسبت به نسخه فارسی بی‌اعتنا شوند، یعنی به نوعی خود را از دست این دستنویس‌ها خلاص کنند. آیا این موضوع درست است؟

دکتر نوشاهی: آنجا ترجمه می‌شود، و همین سازمان‌های دولتی متون مهم را ترجمه کرده‌اند و می‌کنند، اما نه به این جهت که از دست نسخه‌های خطی نجات پیدا کنند، اینطور نیست. دولتها بودجه‌ای دارند، اداراتی دارند برای حفظ نسخه‌های خطی و اینها اصلاً نسخه خطی می‌خرند و جمع می‌کنند. این که ترجمه می‌شود، به جهت این است که دیگر الآن عموم مردم نمی‌توانند از متون فارسی استفاده بکنند، لهذا به زبان اردو یا زبان محلی یا حتی به زبان انگلیسی ترجمه می‌شود، تا بتوانند بهره ببرند.

رحیمی ریسه: همان طور که در ایران مجموعه‌های خصوصی و بعضاً دولتی از هم می‌پاشد و سر از کشورهای خارج درمی‌آورد، در پاکستان هم همین طور است، یعنی الآن دو سه تا مرکز در مالزی و بروئی و کشورهایی که پولدار هستند، عمدتاً گنجینه‌های نسخ خطی خود را از پاکستان و هند تهیه می‌کنند.

دکتر نوشاهی: بله. صحبت از مالزی و بروئی شد. اینها مرتب می‌آیند به پاکستان و نسخه‌های خطی را از آنجا جمع می‌کنند. الآن در مالزی بیشترین نسخه‌ها از پاکستان رفته است. همین طور در بروئی، مفتی اعظم بروئی، یک کتابخانه تشکیل داده که دارای نسخه‌هایی است که از پاکستان برده‌اند زیر پوشش محموله دیپلماتی!!

رحیمی ریسه: فکر می‌کنید تخمیناً چقدر نسخه برده شده است؟
دکتر نوشاهی: فکر می‌کنم حدود ۱۰/۰۰۰ نسخه یا بیشتر به بروئی و مالزی رفته است. علاوه بر آن به کویت و عربستان سعودی هم رفته است. الآن پاکستان، گذرگاه نسخه‌های خطی است، یعنی نسخه‌ها از آسیای میانه و افغانستان می‌آید، مقداری در پاکستان می‌ماند و بقیه‌اش به کشورهای دیگر می‌رود.

ایرانی: ما برخی از آثار مربوط به شبه قاره و آسیای میانه را منتشر کردیم و خواستیم تاریخچه زبان فارسی را در شبه قاره یا آسیای میانه نشان بدهیم. تذکره حزین لاهیجی را که متعلق به دوره صفویه است، چاپ کردیم. القند فی ذکر علماء سمرقند، تذکره مطربی سمرقندی، تذکره مقیم خانی که از برخی از این آثار استقبال خوبی شده است. تذکره‌هایی مثل تذکره نشتر عشق، تذکره ریاض الشعرا از والّه داغستانی زیر چاپ است. تذکره مطربی را که چاپ کردیم، بلافاصله تمام شد و در نمایشگاه کتاب، بعد از ترجمه اناجیل، دومین کتاب پرفروش بود، و آن را تجدید چاپ نیز کردیم. فکر می‌کنید علت توجه به تذکره نویسی در طول این دوره، یعنی زمان صفویه و شاید قبل و بعدش چه بوده و چرا این تذکره‌ها اینقدر مورد توجه محققین است؟ آیا می‌خواهند به نحوی ارتباط و آشنایی گسترده‌ای با اوضاع زبان فارسی و شعرای آن موقع پیدا کنید؟

دکتر نوشاهی: وقتی شما یک متن فلسفی یا فکری را چاپ می‌کنید، یک فکر را احیاء می‌کنید، اما وقتی یک کتاب تذکره را چاپ می‌کنید به وسیله آن هزاران نفر را زنده کرده‌اید، و به آن هزاران نفر، شاید ده هزار نفر دیگر علاقه داشته باشند. و نیز در تذکره‌ها نکته‌های فرهنگی و تاریخی هست که نمی‌شود از آنها صرف‌نظر کرد.

ایرانی: خود تذکره نویسی چرا اینقدر رایج بوده است؟

دکتر نوشاهی: تذکره نویسی در شبه قاره رواج زیاد داشته، به جهت جریان ادیبی که آنجا بوده است.

ایرانی: یعنی جریان ادبی آنقدر گسترده بوده، که دانشمندان برای اینکه آن جریان را معرفی کنند، مرتب تذکره نوشتند؟

دکتر نوشاهی: بله. تذکره می‌نوشتند و بعداً آن جریان نقد ادبی، که از آنجا شروع شده بود، در این تذکره‌ها وارد شد و اینها فقط شرح حال نیست، نقد ادبی هم در آنها می‌توان یافت. تذکره‌ای که تا به حال چاپ نشده و باید چاپ بشود و در اولویت قرار گیرد، مجمع النفایس سراج الدین علی خان آرزو است، که با دید

انتقادی نوشته شده و فقط شرح حال شاعران نیست. دانشمندان کشور ما می‌گویند تا وقتی دو تذکره، یکی ریاض الشعراء و دیگری مجمع النفايس چاپ نشود، ما نمی‌توانیم تاریخ ادبی شبه قاره را بنویسیم. خوشبختانه جلد نخست ریاض الشعراء در هند چاپ شده است و مرکز نشر میراث مکتوب هم آن را در دست چاپ دارد. مجمع النفايس هم جا دارد که اداره شما به آن توجهی کند.

رحیمی ریسه: آیا کسی هنوز کار نکرده است؟

دکتر نوشاهی: خانم زیب النساء در دانشگاه تهران، بخش حرف الف آن را به صورت پایان‌نامه تصحیح و دفاع کرده است. در هند و پاکستان نسخ کامل هست و می‌شود کار کرد. قبلاً دکتر محمد باقر مرحوم در دانشگاه پنجاب روی آن کار کرده بود که چاپ نشده، الآن دو تن از استادان دانشگاه زبانهای نوین، اسلام‌آباد دکتر مهر نور محمد و دکتر سرفراز ظفر تصحیح آن را به دست گرفته‌اند و احتمالاً مرکز تحقیقات فارسی آن را چاپ خواهد کرد.

ایرانی: عرفات العاشقین هم در مشهد مرحوم صاحبکار تصحیح کرده‌اند.

دکتر نوشاهی: بله، از مهمترین تذکره‌هایی که تا به حال چاپ نشده، همین عرفات العاشقین است. مجمع النفايس و ریاض الشعراء هم به صورت کامل چاپ نشده، آن جلد ریاض الشعراء هم که در هند چاپ شده فقط شرح حال است و اشعار را حذف کرده‌اند. تا وقتی که این تذکره‌ها چاپ نشود، نمی‌شود در مورد شبه قاره قضاوت ادبی و فرهنگی کرد.

انوشه: سفینه خوشگو را هم یکی از دانشجویان دوره دکتری ادبیات فارسی تصحیح کرده و متأسفانه ناشری پیدا نکرده که آن را چاپ کند.

دکتر نوشاهی: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس قرار است آن را چاپ کند. این را دو دانشجوی هندی کار کردند، یکی روی دفتر اول کار کرده. که تکمیل شده، و الآن یک دانشجوی دیگر روی دفتر دوم کار می‌کند. دفتر سوم قبلاً چاپ شده و به این صورت این تذکره کامل می‌شود. برخی از متونی که اینجا چاپ می‌شود، همان است که «انجمن آسیایی بنگال» چاپ کرده است، از روی آن یک

حروف چینی مجدد می‌کنند و بعد رویش می‌نویسند «به تصحیح فلانی»، یعنی همان کسی که ناظر حروفچینی است می‌شود مصحح! این به نظر من کار درستی نیست. نمی‌توان نام آن را تصحیح نهاد. تصحیح موقعی است که شما چند نسخه خطی را در دست داشتید و نسخه چاپ انجمن هم در دست شما بود و مقابله و مقایسه می‌کردید. اما عیناً همان چاپ هند را برداشتن و به حروف تبدیل کردن تصحیح نیست و نه تنها کارشان خوب نشده، بلکه بدتر شده و اغلاطشان هم دوباره وارد شده است. از کتابهایی که من دیدم، یکی منتخب التواریخ بدوانی است که اینجا با اغلاط بسیار چاپ شده است.

انوشه: آیا شما اعتقاد ندارید که کتابهایی مثل منتخب التواریخ بدوانی، اکبرنامه، آیین اکبری، و دیگری متون تاریخی مهم شبه قاره، باید در ایران یک بار دیگر چاپ بشوند؟

دکتر نوشاهی: در ایران باید چاپ بشود، اما در اینجا کسی نیست که اینها را دوباره تصحیح کند. متأسفانه در ایران، مطالعات شبه قاره‌شناسی به آن صورت نیست که ما مطالعات ایران‌شناسی در شبه قاره داریم. یعنی شناخت شما نسبت به شبه قاره خیلی ضعیف‌تر و کمتر از شناختی است که ما از ایران داریم. تا به حال اینجا توجه شایانی به تصحیح متون شبه قاره نشده، و آنهایی هم که تصحیح شده، خیلی ضعیف است. تذکره مرآت الخیال شیر علی خان لودی اینجا تجدید چاپ شده از روی همان چاپ هند، فوائد الفوائد نیز از روی چاپ لاهور حروفچینی شده. در مجله آینه میراث خواندم که آقای توسلی می‌خواهند طبقات اکبری را اینجا تصحیح کنند، آن هم قبلاً در انجمن آسیایی بنگال چاپ شده است.

رحیمی ریسه: در مورد ضبط اعلام شبه قاره چه نظری دارید؟

دکتر نوشاهی: بزرگترین مشکلی که ما در کتاب‌های چاپ ایران می‌بینیم، ضبط اعلام شبه قاره است. اسامی افراد و اسامی شهرها معمولاً اشتباه است، حتی در دائرة المعارف‌های ایرانی که باید عاری از این اغلاط باشند، اشتباهات بسیار در ضبط

اعلام شبه قاره به چشم می خورد.

ایرانی: یکی از اهداف ما و ناشران از چاپ متون دوران صفویه و دوره‌های دیگر تاریخی، در واقع، عرضه منابع اصلی است، زیرا در اینها اسامی و اعلام و اطلاعاتی هست که محققین می‌توانند به اینها مراجعه کنند. واقعاً محققین آنجا، به استثنای مرحوم محمد شفیع و چند تن دیگر، که بزرگان تصحیح متون از لحاظ علمی هستند چقدر به تعلیقه و حاشیه نوشتن و باز کردن اطلاعات مربوطه اهتمام داشتند و دارند؟ یعنی واقعاً آن کاری را که یک ایرانی نمی‌کند، یک محقق هندی می‌کند؟

دکتر نوشاهی: بله، شما اگر کاری را مثلاً به دکتر نذیر احمد، یا پروفیسور عابدی بسپارید، این کار را می‌کنند.

ایرانی: به جز اینها، دانشجویانی که روی تصحیح متون به عنوان پایان‌نامه کار می‌کنند، درباره محتوای متون توضیحات و تعلیقات می‌نویسند؟

دکتر نوشاهی: نه، این کار دانشجویها نیست. من گفتم که دانشجو اولین بار در دوره تحقیق، نسخه خطی را لمس می‌کند. هیچ آشنایی ندارد و نمی‌شود به او اعتماد کرد. آنها می‌خواهند یک کاری انجام بدهند و مدرک بگیرند و بروند. حتی چاپ کردن پایان‌نامه دانشجویان، بدون تجدید نظر، فکر نمی‌کنم کار درستی باشد.

ایرانی: آیا از طرف ناشران آنجا اهمیاتی هست که این پایان‌نامه‌ها چاپ شوند؟
دکتر نوشاهی: پایان‌نامه‌های فارسی و اردو را تجدید نظر می‌کنند و بعد به چاپ می‌رسانند. مرکز تحقیقات فارسی پایان‌نامه‌های فارسی را چاپ کرده است، اما ناشر خصوصی چاپ نمی‌کند.

ایرانی: این مورد به جهت این است که از زبان فارسی استقبال نمی‌شود، یعنی خواننده ندارد؟

دکتر نوشاهی: بازار نیست. خواننده هست، اما توان خرید کتاب فارسی نیست، آنجا فقط عده معدودی هستند، که امکان خرید دارند. بعضی متون، مثل دیوان حافظ، آثار مولوی، گلستان و شعرهای خیام طرفدار دارند و مردم هم می‌خرند. اما

کتاب تحقیقی علمی نه، مثل همین جهان دانش اگر آنجا برود ممکن است ده نفر بیشتر توجه به آن نکنند.

انوشه: به تازگی متن اصلی تاریخ الفی در تهران به چاپ رسیده است، آیا شما دیده‌اید؟
دکتر نوشاهی: بله، دیده‌ام، اما از پشت و بترین، نمی‌دانم که چطور کار شده است.
انوشه: در هشت جلد، انتشارات علمی و فرهنگی آن را چاپ کرده است، اما متأسفانه این کتاب هشت جلدی، فهرست اعلام ندارد و شما عملاً نمی‌توانید از آن استفاده کنید.

دکتر نوشاهی: اگر فهرست اعلام ندارد، هشت جلدش چه فایده‌ای دارد؟
انوشه: خیلی‌ها هم ایراد گرفتند و من نیز با ناشر صحبت کردم که یک جلد فهرست اعلام هم برایش چاپ کنند.

ایرانی: خوب، چاپ بازاری تصحیح متون به این صورت که ایشان فرمودند، در ایران هست. یک مؤسسه معتبر دنیا، در واقع داعیه جانشینی بنیاد فرهنگ را دارد، این کارها را می‌کند، چاپ بازاری در هند چقدر رواج دارد؟

دکتر نوشاهی: آنجا هم هست. مثلاً بعضی خانواده‌ها متون خصوصی خود را چاپ می‌کنند. غیر از آن سازمانهایی که اسم بردم، بعضی از افراد و خانواده‌ها هم هستند که توجه به احیای متون خانواده خودشان را دارند. و به صورت تکی و با سرمایه خودشان، کتاب فارسی چاپ می‌کنند.

کیان‌فر: بیشترین آثار بجامانده فارسی در شبه قاره، مربوط به چه مقطعی از تاریخ است و در چه دوره‌ای بیشتر تألیف، یا کتابت و تحریر شده است؟
دکتر نوشاهی: قطعاً در دوره تیموریان، بیشترین کتابها تألیف و کتابت شده است، در دوره اکبر و جهانگیر و شاه جهان و عالم‌گیر.

رحیمی ریسه: کتاب مارشال مربوط به همین دوره است؟
دکتر نوشاهی: بله. در دوره این چهار پادشاه تیموری، بیشترین کتابهای فارسی تألیف شده است.

کیان‌فر: قدیمی‌ترین نسخه‌ای که کتابت شده، کدام است؟

دکتر نوشاهی: شرح التعرف کلابادی است با تاریخ ۴۷۳ هـ دومین نسخه قدیمی فارسی در دنیا بعد از الابنه عن حقایق الادویه که در موزه ملی پاکستان کراچی محفوظ است.

ایرانی: رواج زبان فارسی از چه دوره‌ای در هند شروع شده و اوجش در چه زمانی بوده است؟

دکتر نوشاهی: از سده پنجم با رفتن غزنویان به هند شروع شده، و اوجش هم در دوره تیموریان بوده است.

انوشه: اصولاً مغولها به تاریخ گذشته بسیار اهمیت می‌دادند، به همین جهت بزرگترین کتابهای تاریخی شبه قاره در دوره تیموریان تألیف شده است، به جهت علاقه‌ای که اینها به ثبت و ضبط وقایع گذشته‌شان داشتند. در ایران هم همین کار را کردند و معتبرترین کتابهای تاریخی ما متعلق به همین دوره است. کتابهایی مثل جامع التواریخ و منتخب التواریخ، تاریخ جهانگشا نشان می‌دهد که علاقه مغولان به تاریخ گذشته بیشتر بوده است.

دکتر نوشاهی: بله. چون صحبت رواج زبان فارسی در شبه قاره بود، همین جا باید بگویم که دانشنامه زبان ادب و فارسی که زیر نظر جناب آقای انوشه در سه جلد مربوط به شبه قاره تألیف شده، خود سند محکمی به رواج فارسی در شبه قاره است و به ایشان دست مرزاد می‌گوییم که این کار را کردند و ضرورت داشت. تا به حال در هند و پاکستان چنین دانشنامه‌ای تخصصی تدوین نشده بود. آن قدر از این دانشنامه در پاکستان استقبال شده که در تمام دانشگاهها هیچ دانشجویی بدون مراجعه به این دانشنامه کار تحقیقی خودش را انجام نمی‌دهد. حالا خود ایشان یا سازمانهای دیگری در هند و پاکستان یا ایران باید این کار را ادامه بدهند و آن را تکمیل کنند. ایشان یک نمونه‌ای از زحمات خود را ارائه دادند که واقعاً ما مدیون و ممنون ایشان هستیم. آنجا هر دانشجوی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پاکستان، اولین رفرنسش به اسم ایشان است، حسن انوشه، صفحه فلان.

ایرانی: پس جا دارد که شما برای ایشان یک مجلس بزرگداشت برگزار کنید.
دکتر نوشاهی: من به دکتر سلیم مظهر رئیس بخش فارسی دانشگاه پنجاب که از
دوستان ایشان هم هست، پیشنهاد کردم که واقعاً باید از ایشان دعوتی بشود و
تقدیر و تجلیلی از کار ایشان به عمل آید. حالا اگر دولت نمی‌کند، لازم است
دانشگاه این کار را بکند.

ایرانی: دانشگاه و به احتمال زیاد دانشجویانی که از این دانشنامه استفاده می‌کنند، حتماً
دوست دارند که ایشان را ببینند. اگر زمینه‌اش را فراهم کردید ما اینجا با وزارت
ارشاد هماهنگ می‌کنیم که تسهیلاتی به شما بدهند.

دکتر نوشاهی: قبلاً هم پیشنهاد کرده‌ام و هنگامی که رفتیم، جدی‌ترین موضوع را مطرح
می‌کنم. واقعاً ایشان حقی بر گردن ما دارند.

ایرانی: آنجا این مسئله (دانشنامه نویسی) چقدر جا افتاده است؟
دکتر نوشاهی: خیلی جا افتاده است و در این شکی نیست و باید ایشان هم آنجا بیایند و
از نزدیک ببینند.

کیان‌فر: کار تصحیح معمولاً فردی بوده، یعنی یک فرد همّت می‌کرده و کاری را تصحیح
و احیا می‌کرده و خیلی کم پیش آمده که کار تصحیح، دو یا سه نفره باشد. آیا در
شبه قاره هم به همین صورت انفرادی است یا اینکه گرایش به کار گروهی برای
تصحیح متون آن هم متون کلان چندین جلدی هست؟
دکتر نوشاهی: آنجا هم بیشتر به صورت انفرادی انجام شده و کار گروهی در تصحیح
متون کمتر داشتیم. در پروژه‌های دیگر کار گروهی داشتیم، اما در تصحیح متون
کمتر، ممکن است دو نفر با هم، کاری را انجام داده باشند.

کیان‌فر: واقعیت این است که بازار متون کلاسیک به تدریج از رواج می‌افتد، به دلیل این
که نسل جدید با توجه به امکانات و تکنولوژی‌هایی که در دست دارد، بیشتر به
خواندن نثر ساده‌تر و راحت‌تر با درک و فهم آسان‌تر گرایش دارند، بنابراین متون
دارد از اهمیت می‌افتد. آیا در شبه قاره برای این متون برنامه‌ریزی خاصی شده
است؟ کلاسها یا واحدهای درسی درباره روش تصحیح وجود دارد یا این که به

صورت کوتاه و مختصر در همان روشهای تحقیق بیان می‌شود؟
 دکتر نوشاهی: در دانشگاههای پاکستان، و مخصوصاً در دانشگاه پنجاب لاهور، واحدهایی برای تصحیح متون در روش تحقیق و اصول تحقیق گذاشته‌اند و حتی در بعضی گروههای اردو در دانشگاه پنجاب الزامی است که دانشجویانی که زبان اردو را یاد می‌گیرند، چند واحد زبان فارسی را هم بگذرانند. چون نمی‌شود بدون فارسی، اردو را یاد گرفت. و اصول تحقیق را هم آنها باید یاد بگیرند. در این دانشگاه‌ها به واحدهای مربوط به تصحیح و روش تحقیق، توجه می‌کند.

رحیمی ریسه: فهرست نویسی چگونه؟

دکتر نوشاهی: فهرست نویسی، نه خیر.

کیان‌فر: این توجه به تصحیح، فقط مختص به دانشگاه پنجاب است، یا این که به صورت یک سایت آموزشی در سایر دانشگاههای شبه قاره هم صورت می‌گیرد؟
 دکتر نوشاهی: در دانشگاههای پاکستان چون دانشجویان رساله‌های خود را تصحیح متون انتخاب می‌کنند استادها دیدند که اینها اصلاً بلد نیستند چگونه تصحیح کنند، ناچار چند واحد اصول تحقیق و روش تصحیح هم گذاشتند تا لااقل یک آشنایی با این کار پیدا کنند و بعد از آن، این کار را انجام بدهند.

کیان‌فر: اجباری است یا اختیاری؟

دکتر نوشاهی: در دوره فوق لیسانس اجباری نیست ولی در سطح دانشوری و دکترا اجباری است.

انوشه: رواج نداشتن خواستن متون در بین جوانان به جهت این است که آنها به متون ما بی‌اعتنا هستند. اصولاً چون زبان به طرف سادگی می‌رود، طبیعتاً آن زبان را دیگر نمی‌فهمند و حتی می‌بینیم متون گذشته وقتی تصحیح می‌شوند، لغت‌های سنگینش را برمی‌دارند و گاهی چهارده یا پانزده چاپ می‌کنند. آقای مثل مهدی آذر یزدی وقتی کتاب خوب برای بچه‌های خوب می‌نویسد. تا بیست بار نیز تجدید چاپ می‌شود، و این مورد نشان می‌دهد که جوانهای ما به گذشته‌شان

توجه دارند، اما زبان متون را نمی‌فهمند.

کیان‌فر: من دقیقاً بحتم درباره زبان متون بود، نه بی‌علاقگی نسل جوان. انوشه: حتی در انگلیس هم کتابهای جفری چاسر و شکسپیر را در دانشگاه می‌خوانند و دیگر کسی در خانه نمی‌خواند، زیرا آن زبان را دیگر نمی‌فهمند.

کیان‌فر: مشکل ما این است که بخش عمده‌ای از تحصیل کرده‌های دوره‌عالی ما با متون بیگانه هستند. ببینید یک چیزی هست به نام میراث مکتوب، که هویت فرهنگی این مردم است و نسل جوان به آن بی‌توجه نیست. امثال، داستانها و اشعارش را یاد می‌گیرند و می‌خوانند. حتی خود این مرکز، با همکاری مؤسسه‌ای به نام اهل قلم طرحی ریختند در بازنویسی و تحریر ساده متون قدیمی. دو سه سالی هم بیشتر نیست که کار می‌کنند. این بازنویسی‌ها که توسط اهل فن صورت گرفته است، با استقبال خوبی مواجه شده و برخی از اینها تجدید چاپ می‌شوند. این نشان دهنده توجه جوان ایرانی به فرهنگ و پیشینه خود است. آن دسته از افراد تحصیلکرده‌ای که دوره‌های عالی را طی کردند، یعنی تا سطح فوق لیسانس و دکترا پیش رفتند، با متون بیگانه‌اند، توجهی به متون ندارند و اینها متأسفانه متون را نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند. ما نمی‌توانیم توقع داشته باشیم تحصیل کرده‌ای که دکترای انرژی هسته‌ای گرفته، حتماً تاریخ بیهقی را بخواند، ولی آن کسی که دارد در مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی تحصیل می‌کند، با وجود اینکه تاریخ بیهقی را حتی در دوره کارشناسی به عنوان واحد درسی می‌گذراند، متأسفانه با تاریخ بیهقی بیگانه است، با جامع التواریخ بیگانه است، چهارمقاله عروضی را متوجه نمی‌شود، با وجود این که درسش را خوانده است. من اینجا دقیقاً روی سخنم با آنهاست، نه با آن نسل جوانی که علاقمند به فرهنگ است و بازسازی شده‌ها یا تحریر شده‌ها را می‌خواند، آنها واقعاً عرق و حمیت ملی و فرهنگی خوبی دارند. ولی این مصیبت است که تحصیل کرده‌های دوره‌های عالی با متون بیگانه‌اند و این مصیبت دارد گریبان نسل آتی را می‌گیرد.

دکتر نوشاهی: این مسائل موجود در اینجا، قابل قیاس با شبه قاره نیست. الآن زبان

فارسی در شبه قاره به عنوان یک زبان فرهنگی باقی مانده است، نه یک زبان روزمره یا زبان مردمی، و الآن ما به عنوان یک زبان تاریخی و فرهنگی به آن نگاه می‌کنیم و احتیاج داریم که این بماند و حفظ شود، اما اینجا مسائل دیگری هست، اینجا شما هر نوعی کتاب چاپ می‌کنید، مخاطب دارید، اما آنجا اینطور نیست. مخاطبان ما بیشتر به ادبیات و تاریخ و تصوّف محدودند.

انوشه: در ایران، برخی نگران زبان فارسی هستند که در شبه قاره دارد روز به روز ضعیفتر و کم‌کم محو و مات می‌شود. به نظر شما این نگرانی تا چه حد درست است؟ هر ملتی نگران فرهنگش است و می‌خواهد فرهنگ و هویتش باقی بماند، بخشی از فرهنگ و هویت ما در آنجا پیش شماست. این که فرهنگ ما در آنجا به تدریج کمتر و کم‌رنگتر می‌شود و احیاناً روزی از بین می‌رود، چقدر می‌تواند مقرون به صحت باشد؟

دکتر نوشاهی: این از بین رفتن طبیعی است و مسیر طبیعی را طی می‌کند. ممکن است عربها بگویند که ما یک بخش فرهنگ عربی در ایران داریم که دارد از بین می‌رود، همچنین شما یک قسمتی از فرهنگتان در شبه قاره است که دارد از بین می‌رود و این از بین رفتن مسیر طبیعی را طی می‌کند.

انوشه: برخی معتقدند که می‌شود دولتهایی که در ایران بر سر کار می‌آیند، کمک بکنند به طریقی به حفظ زبان فارسی، نه اینکه زبان فارسی را برگردانند به روزگار اولش که محال است. یعنی این توقع بیهوده است، اما می‌شود آن را در حدود موجود نگه داشت و جلوی از بین رفتن آن را گرفت.

دکتر نوشاهی: ببینید، راههای مختلف هست برای حفظ آن. مثلاً فرض کنید دولت ایران و پاکستان یک قراردادی امضا بکنند برای حفظ نسخه‌های خطی، که این قدر بودجه در اختیار موزه‌های شما، دانشگاه‌های شما قرار می‌دهیم و اینها نسخه‌های منطقه را حفظ کنند.

انوشه: اصلاً دولت‌ها می‌توانند تأثیر بگذارند؟

دکتر نوشاهی: وقتی شما می‌فرمایید ما غصه‌اش را می‌خوریم، یعنی شخص شما یا

دولت شما اگر شخص شماست، که آن دلسوزی فرهنگی شماست که باید غصه‌اش را بخورید و نمی‌توانید کاری انجام بدهید. اما اگر دولت شما غصه‌اش را می‌خورد، پس باید فکر مداوا و علاجش را هم بکند و با دولت پاکستان قراردادی ببندد و یک بودجه‌ای در اختیار دانشگاهها و موزه‌ها قرار بدهد که از نسخه‌های خطی حفاظت بکنند. بعد، نمایندگی فرهنگی خود را مؤظف بکند کتابهای فارسی را که آنجا چاپ می‌شود، صد نسخه یا دویست نسخه بخرد و به ایران بفرستد. خوب یک راهش هم این است و راههای مختلفی برای حفظ فارسی هست، اما متأسفانه عمل نمی‌شود. حالا دیگر ممکن نیست که مثلاً اگر ۵۰ سال پیش در شبه قاره نکاح نامه یا قبالة نکاح به فارسی نوشته می‌شد، شما دلتان می‌خواهد، باز هم امروز در پاکستان آن سند نکاح به فارسی نوشته شود. این محال است. آن باید به اردو نوشته شود، زبان مردمی آنجا اردو است. اما زبان فرهنگی ما فارسی بوده و هست. خودمان نمی‌توانیم از آن فرهنگ جدا بشویم. برداشت دیگر این چند سال که با ایران و ایرانیان رفت و آمد داشتیم، این بوده است که فکر می‌کنند فرهنگ فارسی که در شبه قاره هست، کلاً متعلق به ایران است، در صورتی که این طوری نیست، آن متعلق به شبه قاره است. درست است که به زبان فارسی دری نوشته شده، ولی آن فارسی خودشان است، نه فارسی ایرانی، و مؤلفش ایرانی نیست. این برداشت دوستان ایرانی هم برداشت درستی نیست. شما بگذارید آن چیزها متعلق به آنجا باشد و حفظش به عهده آنها باشد، یا شما کمک بکنید. این مسئله دیگری است، ولی همه چیز را از آن خود کردن برداشت خوبی نیست.

انوشه: منظور ما این نیست که متعلق به ماست، این یک میراث مشترک است. دکتر نوشاهی: میراث مشترک بله، کلمه «میراث مشترک» خوب است، اما این که بعضی‌ها می‌گویند «میراث ایرانی»، به نظر بنده، درست نیست. کیان‌فر: ببینید یک مرز فرهنگی هست که کم‌کم دارد محدود می‌شود و در حقیقت بحث بر سر این است که چگونه می‌شود این مرز فرهنگی را کوچکتر از حد فعلی‌اش

نکنیم. حالا اگر نمی‌توانیم گسترشش بدهیم، حداقل آن را در همین مرزهای فعلی نگه داریم و به مرور کوچک نکنیم. من فکر می‌کنم در حقیقت، آقای انوشه روی سخنشان به این مسئله است.

دکتر نوشاهی: اصول سیاست فرهنگی کشورها، در نظام سیاسی کشورها هم خیلی تأثیر می‌گذارد. شما وضع زبان فارسی قبل از انقلاب اسلامی را در پاکستان و شبه قاره مقایسه کنید با وضع بعد از انقلاب اسلامی. نظام حاکم اینجا خیلی در تضعیف زبان فارسی تأثیر داشت و این قابل توجه است. درست است که دولت ایران دغدغه زبان فارسی و فرهنگ مشترک را دارد، اما چه کاری برای آن کرده است؟

کیان‌فر: اینها نکات مهمی هستند به شرطی که به گوش دولتمردان هم برسند. انوشه: یک نفر، جمله خیلی قشنگی درباره زبان فارسی در شبه قاره می‌گفت که کاری که ایران الآن دارد آنجا می‌کند، مثل مرد سیاهپوست کریمه‌المنظری است که کودکی را در بغل گرفته و کودک از دیدن او گریان است. بهترین کار این است که کودک را زمین بگذارد و با او کاری نداشته باشد.

دکتر نوشاهی: واقعاً همین‌طور است. الآن ما را به حال خود بگذارند که ما خودمان متولی این فرهنگ باشیم و ان شاء الله از آن نگهداری می‌کنیم.

کیان‌فر: آقای نوشاهی حالا درباره خودتان و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان بفرمایید که آنجا چه نقشی دارید؟ ضمن این که استاد زبان فارسی هم هستید. این مرکز کی تأسیس شد و آن اساس‌نامه که برای این مرکز نوشته شد، به چه منظور و برای چه کاری بود؟

دکتر نوشاهی: این مرکز در ۱۳۵۰ شمسی، ضمن توافقی بین وزارت فرهنگ و هنر ایران و وزارت آموزش عالی پاکستان برای «حفظ میراث مشترک» (این کلمه در توافق‌نامه موجود است) ایران و پاکستان که همین زبان فارسی است، تأسیس شد. مخصوصاً به نسخه‌های خطی توجه داشتند. نسخه‌های خطی را که در پاکستان، در مدارس، روستاها و خانقاه‌های آنجا موجود و محفوظ است و به

آن بی‌توجهند، در این مرکز جمع‌کنند و از نسخه‌های خطی که در کتابخانه دولتی پاکستان است، فهرست نویسی بشود. این مرکز برای همین هدف تأسیس شد و بحمدالله از سی سال مورد قبول بوده و کارهای بسیار در زمینه نسخه خطی، چه از لحاظ جمع‌آوری و چه از لحاظ فهرست‌نویسی، کرده است. الآن حدود ۲۴ هزار نسخه خطی در کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات موجود است. فهرست‌های قبایی آنها هم تا ۲۲ هزار نسخه تألیف و چاپ شده است. علاوه بر فهرست‌هایی که استاد احمد منزوی در چهار جلد چاپ کرده‌اند، فهرست‌هایی از کتابخانه‌های مختلف، مطابق همان هدفی که داشتند، چاپ کرده‌اند، فهرست‌هایی از موزه ملی پاکستان، انجمن ترقی اردو پاکستان، دانشگاه پنجاب (گنجینه آذر) و کتابخانه‌های دیگر، و کار اساسی مرکز هم همان فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان بود که در چهارده جلد چاپ شد. استاد احمد منزوی آنجا بودند و این کار را انجام دادند. همان طور که قبلاً عرض کردم، یک بخش از فعالیت مرکز تحقیقات، تصحیح متون و چاپ آنها بود که فکر می‌کنم تا به حال صد و پنجاه متن فارسی در رشته‌های مختلف تاریخ و تذکره و عرفان و داستان و دیوان و... اینها چاپ کرده‌اند.

کیان‌فر: خود شما در آن مرکز چه نقشی دارید و از چه سالی همکاریتان را شروع کردید؟

دکتر نوشاهی: من در سال ۱۹۷۴ به کتابخانه گنج‌بخش آن مرکز، پیوستم و به عنوان فهرست‌نویس تا سال ۱۹۸۱ تقریباً هفت سال جزو کادر رسمی آن مرکز بودم. بعد به خانه فرهنگ ایران در کراچی منتقل شدم و یکسال آنجا بودم و باز به خانه فرهنگ ایران در راولپندی منتقل شدم و به عنوان مدیر نشریات فجر و دانش در ریزنی فرهنگی سفارت ایران در اسلام‌آباد، هشت سال بودم. در سال ۱۹۸۹ برای ادامه تحصیلات در مقطع دکتری به ایران آمدم و بعد از چهار سال تحصیل در دانشگاه تهران، در سال ۱۹۹۳ باز گشتم. باز برای مدت یک سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ به دعوت فرهنگستان زبان و ادب فارسی به ایران آمدم. همان موقع طرح

دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره را ریخته بودند و مقدماتش را فراهم کردیم، یعنی مدخلها را تأیید و تصویب کردیم. من یک سال با اینها همکاری داشتم و بعد به پاکستان برگشتم و به مدت دو سال، دوباره در مرکز تحقیقات فارسی با گروه تحقیقات که متون را تصحیح می‌کرد، همکاری کردم. ۱۹۹۸ به عنوان دانشیار زبان فارسی انتخاب شدم و در یکی از کالج‌های راولپندی به اسم «گوردن کالج» تدریس را شروع کردم.

کیان‌فر: ظاهراً ریاست مرکز تحقیقات فارسی را ایرانی‌ها برعهده داشتند، آیا رئیس پاکستانی هم داشته است؟

دکتر نوشاهی: در توافق نامه مذکور این طور آمده که دو سال، ریاست مرکز را پاکستانی‌ها و دو سال ایرانی‌ها برعهده خواهند داشت، اما عملاً این طور نشده، چون تا به حال همه هزینه و بودجه‌اش را دولت ایران تأمین می‌کرده، رئیسش هم ایرانی بوده است. رئیس پاکستانی نداشته است.

کیان‌فر: بهترین دوره فعالیت این مرکز در چه زمانی بوده است؟

دکتر نوشاهی: یکی در همان دوره تأسیسش، که دکتر علی اکبر جعفری، نخستین مدیر آنجا بودند و بعد از آن هم هر کسی آمد، خدمتی انجام داد. اما از لحاظ فهرست‌نویسی و تصحیح و چاپ متون، و فاکسیمیله آنها، دوره آقای اکبر ثبوت، یکی از پربارترین دوره‌های این مرکز بود.

کیان‌فر: در مورد کارهای خودتان بفرمایید. شما به عنوان یک فهرست‌نگار برجسته علاقمند به زبان و فرهنگ و ادبیات مشترک در آنجا مشغول به کار هستید یا به صورت انفرادی، یا برای مرکز کار کرده‌اید، و می‌شود این فعالیتها را به دو بخش تصحیح و تألیف کتاب و نگارش مقاله تقسیم کرد. در هر دو زمینه اگر توضیحاتی دارید، که برای خوانندگان ما مفید واقع شود، لطفاً بیان فرمایید.

دکتر نوشاهی: نخستین علاقه من به فهرست‌نویسی بود، چه نسخه خطی و چه کتابهای چاپی، و من شغلم را از فهرست‌نویسی کتابهای چاپ سنگی شروع کردم و دو جلد فهرست از کتابهای چاپ سنگی کتابخانه گنج بخش تهیه کردم.

کیان‌فر: این کتابخانه گنج بخش در حقیقت همان کتابخانه مرکز تحقیقات است؟
دکتر نوشاهی: بله، کتابخانه مرکز تحقیقات فارسی است و عنوانش کتابخانه گنج بخش است. «گنج بخش» همان هجویری صاحب کشف المحجوب است. در پاکستان به ایشان «داتا گنج بخش» می‌گویند. این لقبشان است و به احترام هجویری، اسم آن کتابخانه را گنج بخش گذاشته‌اند. در سال ۱۹۷۶ میلادی که استاد منزوی به مرکز آمدند، با ایشان همکاری شدم و به نسخ خطی توجه شد و در دوره مأموریت ایشان، من کار فهرست نسخه‌های خطی موزه ملی پاکستان کراچی را انجام دادم. چهار هزار نسخه خطی فارسی آنجا بود. کتابخانه انجمن ترقی اردو در کراچی هم حدود یک هزار نسخه خطی داشت، که آن را هم فهرست کردم. این دو جلد فهرست، جزو انتشارات مرکز بود. در همان زمان، استاد منزوی به من پیشنهاد کردند که فهرست کتابهای فارسی چاپی شبه قاره را شروع کنم و من در سال ۱۹۷۸ اولین برگه یا مدخل را نوشتم و به تدریج در مراحل مختلف، این کار انجام می‌گرفت و در سال ۲۰۰۰ این فهرست را شیرازه بندی کردم و حدود ۲۵ هزار مدخل از کتابهای چاپ شده در شبه قاره را فراهم آوردیم. خوشبختانه در سال ۱۳۷۷ یک سفری به ایران داشتم و بدون هیچ سابقه‌آشنایی با آقای رحیمی ریشه ملاقاتی شد و این کتابنامه مورد گفت و گو قرار گرفت و ایشان گفتند شما نمونه کارتان را نشان بدهید و من از پاکستان برای ایشان نمونه فرستادم و ایشان هم این کار را پسندیدند و جزو انتشارات «مؤسسه نشر فهرستگان» قرار دادند. این کتابنامه در حدود سه هزار صفحه حروفچینی شده و الآن مشغول نمونه‌خوانی و غلط‌گیری هستیم که امیدواریم به زودی انجام شود و در دسترس همگان قرار بگیرد. فکر می‌کنم کار مهمی که از نظر فرهنگی انجام شده، همین کتابنامه کتابهای فارسی چاپ شبه قاره بوده است. علاوه بر این، کارهای متفرقه در زمینه ادبیات فارسی آنجا انجام می‌دهم. مقاله می‌نویسم که در مجلات منتشر می‌شود. برای دائرةالمعارفهای ایرانی و خارجی هم در همین زمینه‌ها مقاله می‌نویسم، تصحیح متون هم می‌کنم.

کیان‌فر: در زمینه تصحیح متون، تا به حال شما چه کاری را انجام دادید و کدامیک از اینها منتشر شده است؟

دکتر نوشاهی: همان مرکز تحقیقات فارسی، بعضی متون را چاپ کرده است که مربوط به خانواده نوشاهی بود. یک متن فارسی در شرح حال سر سلسله، احوال و مقامات نوشاه گنج بخش که در اوائل سده ۱۲ هـ تألیف شده، چاپ شده است. نخستین فرهنگ اردو به فارسی کمال عترت که آن هم یک متن متعلق به سده ۱۲ هـ بود و بعضی رسائل کوتاه در سلسله انتشارات مرکز چاپ شده است. در ایران چهار متن مربوط به خواجه عبیدالله احرار نقشبندی را مرکز نشر دانشگاهی چاپ کرده است. کتاب معدن الدرر فی سیرت شیخ حاجی عمر را با همکاری دکتر معین نظامی تصحیح کردم که از طرف «نشر کازرونیه» آماده چاپ است.

کیان‌فر: شما با نشریه دانش، که وابسته به همان مرکز است همکاری دارید با نشریات داخل ایران چه مقدار همکاری می‌کنید؟

دکتر نوشاهی: من از همان موقع که در ایران دانشجوی بودم، با مجله‌های آینده، تحقیقات اسلامی و معارف (نشریه مرکز نشر دانشگاهی) همکاری را شروع کردم و تا به حال بیشترین مقالات من در مجله معارف چاپ شده است. بعداً مجله نامه بهارستان که آغاز شد، مخصوصاً در رشته نسخه‌شناسی مقاله نوشتم و باز هم ان شاء الله مقاله می‌نویسم.

رحیمی ریس: اخیراً، مجموعه مقالاتی که آقای نوشاهی عمدتاً در مجلات ایرانی چاپ کرده‌اند، تحت عنوان مقالات عارف در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار چاپ شده است و شاید یک هفته‌ای است، که منتشر شده.

دکتر نوشاهی: هنوز پخش نشده و در صحافی است.

انوشه: آقای نوشاهی! ما می‌دانیم که خاندان شما از خاندانهای قدیمی پاکستان هستند آیا جز شما کسان دیگری هم در این خانواده به زبان و ادبیات فارسی خدمت کرده‌اند؟

دکتر نوشاهی: بله. آن دوازده نسل از سر سلسله تا من، هیچ کس بدون اثر نبوده و نیست و این سنت بحمدالله تا امروز ادامه دارد. همه شان مؤلف، شاعر، تاریخ نویس، تذکره نویس، لغت نویس و فقیه بودند و امروز آقای دکتر خضر نوشاهی، برای مؤسسه آقای رحیمی ریشه دو تا فهرست تألیف کرده‌اند. ایشان هم در زمینهٔ نسخ خطی و فهرست‌نویسی کار کرده‌اند و تصحیح متون هم می‌کنند. رسالهٔ دکتری ایشان، یکی از مهمترین متنهای شبه قاره بود که به صورت دائرةالمعارفی است به اسم معیار سالکان طریقت. این تذکرهٔ رجال سدهٔ اول تا سدهٔ دوازدهم است و خیلی مهم است و در حدود ۱۵۰۰ صفحه شد. این را آنجا خودشان تصحیح کردند، با دست خط خودشان نوشتند و به هزینهٔ خودشان چاپ کردند و فکر نمی‌کنم امروز چنین اتفاقی در ایران بیفتد که کسی خودش تصحیح بکند، خودش بنویسد و خودش چاپ کند. آن وقت شما غصه زبان فارسی در شبه قاره را می‌خورید. ولی واقعاً این رسالتی که شما انتخاب کرده‌اید، نشر متون، رسالت بزرگی است. در پاکستان هم مؤسسه شما معرفی شده است و افرادی که با متون فارسی کار می‌کنند مرکز نشر میراث مکتوب را می‌شناسند، و من هم شخصاً به کارهای شما علاقه دارم و در سفر ۱۳۷۷ و سفر ۱۳۸۱ هم خدمت شما آمدم و تنها پیشنهاد من به شما این است که توجه به متون شبه قاره را بیشتر کنید. و کتابهای خوب برای چاپ انتخاب کنید. کتابهای خوب چاپ نشده، چه در ایران و چه در شبه قاره زیاد است. شبه قاره را فراموش نکنید. می‌دانیم که با آزاد شدن جمهوری‌های آسیای میانه، توجه ایران به آن سو شده، اما شبه قاره را از دست ندهید. امروز هم مهمترین منطقهٔ ادبیات فارسی بعد از ایران شبه قاره است. درست است که آسیای میانه هم زبانش فارسی است، اما آن، مخازنی که در شبه قاره است، در هیچ کشوری نیست. پس یک توجه و عنایت ویژه‌ای به شبه قاره داشته باشید.

ایرانی: مطمئن باشید که به آن توجه می‌کنیم و ما اینجا همان طور که یک بخش به ماوراءالنهر اختصاص دادیم، آرزو داریم که یک بخش به نام بخش میراث شبه

قاره هم درست بکنیم و کتابهایی مثل سعادت‌نامه را چاپ کردیم و تذکره نشت عشق هم از جمله آثاری است که در دست داریم و ان شاء الله با همکاری شما و با معرفی افراد و یا دانشجویان که کارهای خوبی روی متون انجام داده‌اند و شما می‌پسندید و قابل توجه است، این مجموعه ساخته شود.

دکتر نوشاهی: همین کتاب سعادت‌نامه که شما چاپ کردید، آنجا مورد توجه قرار گرفت و نقدی بر آن نوشته شد که من در این سفر، آن را به آقای افشار دادم. آقای اطهر مسعود فارغ‌التحصیلی از دانشکده دولتی لاهور، که رساله فوق لیسانسش همین سعادت‌نامه بود، مجدداً آن را تصحیح می‌کند، چون نسخه‌هایی دارد که آقای افشار از آنها استفاده نکرده است. من چاپ شما را به ایشان معرفی کردم. به کتابهایی که شما چاپ می‌کنید و مربوط به شبه قاره است، آنجا توجه می‌کنند. اگر توجه شما بیشتر شود، حتماً آنجا استقبال بیشتری خواهد بود، مخصوصاً در مورد چاپ تذکره‌ها، و من خوشحالم که نسل جوانی مثل آقای ایرانی، آقای رحیمی ریشه، و آقای ناصر گلباز که این رسالت فرهنگی را دارند، کارهای جدی انجام می‌دهند. من واقعاً باید به شما شادباش بگویم.

ایرانی: لطف دارید، خیلی ممنون، ما هم خیلی خوشحال شدیم که در این سفر شما را زیارت کردیم.

پی‌نوشت

۱. در حال حاضر چاپ فهرست کتابهای فارسی چاپی شبه قاره با توافق آقای اکبر ایرانی، مدیر مرکز نشر میراث مکتوب و آقای رحیمی ریشه مدیر مؤسسه نشر فهرستگان و موافقت آقای دکتر عارف نوشاهی در مرکز نشر میراث مکتوب پی‌گیری می‌شود، امید است بزودی در اختیار پژوهشگران و محققان قرار گیرد.